

دیگری را بخود نسبت دهد. با اینحال، تجسسات اخیر نشان داده است که این ادعا کاملاً صحیح نیست. محققین موسیقی ثابت کرده اند که در مناطق مختلف کشورهای متحده که باستعمار انگلیسی‌ها و ایرلندی‌ها و اسکاتلندی‌ها درآمد یافته، هنوز ترانه‌هایی که بوسیله آنان بدانجا راه یافته است خوانده میشود. یکی از بهترین مجنوءه‌هایی که از این ترانه‌ها در دست است، مستقیماً در میان کوه نشینان و دیگر ساکنان «کنتوکی» گردآوری شده است. این ترانه‌ها شخصیت و طرزوت و ویژگی‌های شاعرانه بسیار دارند. مسلماً جای خودوقتی است که در این دوره صنعتی و ماشینی، هنوز جاهایی یافت میشود که در آن، مردم تنیات و احساسات خود را بصورت آواز، بروز میدهند. چه، ملتی که آوازخواندن نیاموخته و یا آنرا از یاد برده است، هرگز نمیتواند موسیقی بردوایی بیافریند.

# هنرستان باله

اداره کل هنرهای زیبای کشور

از دو سال پیش، ساختمان ضلع شرقی هنرستان عالی موسیقی واقع در خیابان ارفع (و بقول مدیرمجله ما: «أرفه»!)، بصورت استودیو وتالار و اتاقهایی درآمد یافته است که هنرستان باله اداره کل هنرهای زیبا را در خود جای میدهد. این قسمت از ساختمان هنرستان موسیقی، برخلاف قسمتهای دیگر که از هر گوشه و کنارش سروصدای ساز و آوازی بلند است، ظاهری ساکت و خلوت دارد و فقط عده معدودی که از نزدیک با آن سروکار دارند میدانند که در این محیط آرام از مدتی پیش هنر باله بصورتی علمی و صحیح پایه‌گذاری میشود. هم‌اکنون ساختمانهای جدید وسیعی

۱- از قهرمانان داستانهای اساطیری یونان و پر دگرترین نقشه برد از باستان است.



دوتن از هنرجویان هنرستان و خانم « باترسون »

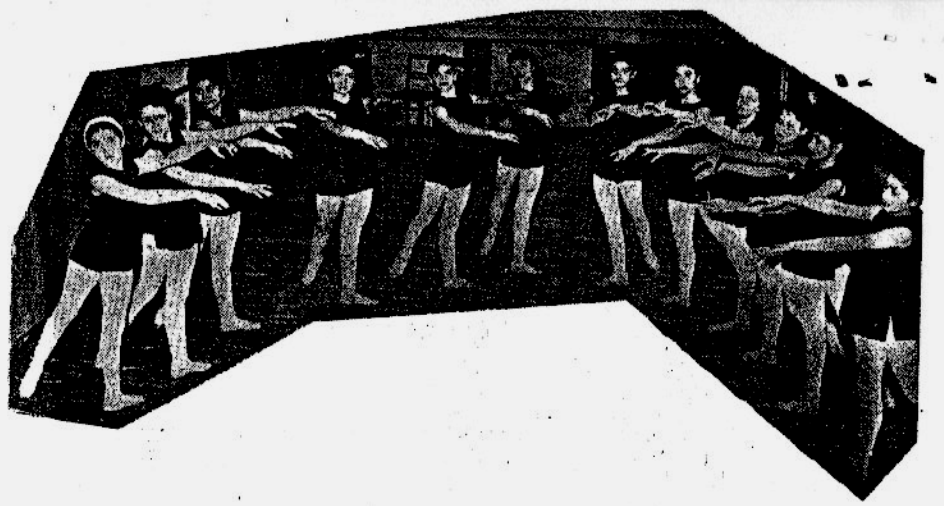
در سال جاری کوشش شد که عده هنرجویان حتی المقدور افزایش یابند و هم اکنون متجاوز از ۱۳۰ هنرجو در هنرستان بفرارگرفتن اصول آیینی باله اشتغال دارند. این عده متناسب سن و پیش گروه مختلف تقسیم شده‌اند و ساعات کار آنها طوری تنظیم شده است که با اشتغالات درسی و آموزشی آنها اصطکاک نیابد.

تمرین‌ها و دروس عملی هنرستان زیر نظر آقای « دالر » استاد باله، خانم « ایوون باترسون » معاون وی که جدیداً از طرف اداره کل هنرهای

در کنار ساختمان فعلی برای این هنرستان بنا میگردد و میتوان گفت که بدینگونه هنر رقص، که پیوسته در طی تاریخ از هنر موسیقی جداناپذیر بوده است، جا و مقام شایسته خود را در کنار موسیقی بازمی یابد.

هنر باله در کشور ما متأسفانه تا کنون کمتر مورد توجهی اصولی و علمی قرار گرفته است و اگر اهمیت هنری آنرا، چه بخودی خود و چه از نظر هنرهای «ریتیمیک» دیگر، در نظر آوریم تصدیق باید کرد که این امر بسیار تأسف آور میباشد. از همینرو اداره کل هنرهای زیبا بمنظور ترویج هنر باله و همچنین احیای رقص‌های ملی ما از چندین پیش بفکر افتاد که هنرستان علمی مجهزی برای این کار تأسیس نماید و با همکاری انجمن روابط فرهنگی ایران و امریکا موفق شد که «ویلیام دالر» را که از استادان باله و «کورگراف» (رقص نویس) های مهم امریکا است و شهرت جهانی دارد بسمت استادی هنرستان باله استخدام نماید. از زمان آغاز تأسیس این هنرستان استقبال بی سابقه‌ای از آن بعمل آمد و عده داوطلبان ورود به هنرستان در همان روزهای اول ازدیست تن تجاوز نمود که از آنمیان فقط ۸۰ نفر پس از امتحانات لازم به نرجوئی در هنرستان پذیرفته شدند.





زیبا استخدام شده و همچنین خانم هایده احمد زاده معلم هنرستان اجرا میشود. خانم احمدزاده سال گذشته برای مطالعه در تأسیسات و هنرستان های باله آمریکا بنا بدعوت اداره روابط فرهنگی امریکا مسافرتی بکشور های متحده امریکا نمود. آقای احمدزاده که سوابق زیادی در فن باله دارد و سال گذشته نیز برای مطالعات بیشتری با اروپا و امریکا عزیمت نمود ریاست هنرستان را بعهده دارد.

برنامه آموزشی هنرستان باله مبتنی بر آخرین تجربیات تربیت فنی و اصولی هنررقص است. با استقبال پرشوری که از طرف عامه بعمل آمده، امیدوار باید بود که بزودی کادر فنی مجهزی فراهم آید که بتواند باحیای هنررقص ایرانی دست بزند. رقص در کشور ما سابقه تاریخی مهم و درخشانی دارد، هنوز در گوشه و کنار سرزمین ایران برقص های پر جلا و جالبی میتوان برخورد که با آداب و رسوم محلی و ملی ما ارتباطی ناگسستگی دارد، از طرف دیگر برخی از رقص های اشرافی قدیمی هم که تاقرنی پیش در برابر گذشت زمان دوام آورده بود، در انتظار رستاخیز خود، راه زوال در پیش گرفته اند. همه اینها باسننی اصیل وابسته اند و برای هنر باله ای ملی، شالوده ای مستحکم و پرمایه میتوانند بود. احیاء

آوازه خوانان بزرگی که از عهد اجرای ابراهای ایتالیائی برآیند نمیتوان یافت... رویهمرفته میتوان گفت که اداهای «لولی» چندان هم دور ازحقیقت نبود ... بدین ترتیب وی بفکر افتاد تکنیکی غنائی وضع نماید که منحصراً آوازی نباشد و قطعات آوازی بافواصلی که به «رقص» و «فانتزی» های مختلفی تخصیص یابد، از هم جدا گردند. از این راه بود که «لولی» موفق شد از ورود و دوسق موسیقی دانان واپرای ایتالیائی که منعی بودند بزودی پاریس را مستمره هنری خود خواهند ساخت جلوگیری نماید. «لولی» با استفاده از «انحصار»ی که در اختیار خود داشت، پیروزی نهائی خود را بصورت بنام درخشانی بنصه ظهور رساند. دراهمیت این امر همین نکته بس که در میان ادبائی که تصنیف متن ادبی آثار ویرا بپسیده داشتند نامهای پرافتخاری چون «راسین»، «کورنی»، «مولیر» و «کینو» میتوان یافت. در آثار بسیار متعدد غنائی که «لولی» بوجود آورد، آشنائی عمیق وی بروح وطرز فکر و سلیقه فرانسویان کاملاً مشهود است، علاوه براین نباید فراموش کرد که هنوز بعضی از آوازه های ابراهای وی از بهترین نمونه های تلفیق موسیقی و شعر فرانسه است. این خود نکته ای بسیار جالب است که این آهنگساز ایتالیائی موسیقی فرانسه را ازخطر «ایتالیائی شدن» (Italianisme) مصون داشت، خطری که در خود ایتالیا غالباً موجب انحطاط و انحراف سبک ابراه شده است، خطری که از شدت علانته ایتالیائی ها به دور نماند. آواز و ازاهمیت مطلق آن سرچشمه میگردد. «لولی» با آهنگسازان آینده فرانسوی آموخت که قوانین شمری و عروضی را محترم بدارند و طرز بیانی (Déclamation) در موسیقی ایجاد نمایند که از وزن شمری فرانسه الهام گرفته باشد. میراث هنری که «لولی» برای موسیقی فرانسه از خود بیادگار گذارده چنان پر ارزش و بخصوص کاملاً فرانسوی است که امروزه کشور فرانسه حبله گریها و عملیات ناشایست ویرا بخشیده است ...

ترجمه و اقتباس: ك. هورمزد  
در شماره آینده: «ژان-لیلیپ رامو»